



Research Paper

Study and Analysis of the Contexts of Formation of Horami Short Story in the Last Two Decades (2001–2021): Requirements, Origins, and Functions

Kourosh Amini

Senior Researcher of Hawrami Language, Culture, and Literature, Sanandaj, Iran (Corresponding Author) (kourosh.amini2000@gmail.com)

Farshid Rostami

Master's Degree in Comparative Literature, Razi University, Kermanshah, Iran (f.hawrami97@gmail.com)

Modarress Saidi

Assistant Professor at the Islamic Encyclopedia Foundation, Tehran, Iran. (m.seidi2009@gmail.com)



10.22034/lda.2025.142667.1028

Received:

August, 24,
2024

Accepted:

September, 20,
2024

Available

online:

September, 20,
2024

Keywords:

Short story of
Hawrami,
Kurdistan,
Hawrami,
Literature,
Language,
Fiction.

Abstract

The Hawrami short story has become an independent literary form, significantly contributing to the development of the Hawrami language in recent years. Over the past two decades, it has served as a medium for expressing cultural, social, and political concerns in the Hawraman community. It has both preserved Kurdish cultural values and acted as a defender against opposing ideologies. This genre connects Hawraman's cultural past to its present. Writers use short stories to depict social, cultural, political, and economic realities, aiming to raise awareness and critique the current cultural state. Often, their work challenges societal norms with sharp, critical language. This research defines the Hawrami short story, analyzing its framework and the factors shaping its development. It examines the styles of various periods and investigates the influences—both explicit and hidden—that have impacted its historical growth. The study adopts a modern literary criticism approach to explore key concepts, influential factors, and effective ways to engage with this genre. It highlights how historical events, migration, war, internet access, Kurdish media, social networks, and Hawrami short story conferences have driven its emergence and evolution. Ultimately, the Hawrami short story has become a vital cultural tool, reflecting and addressing the challenges of Hawraman society while preserving its heritage.



مقاله پژوهشی

تحلیل گفتمانی زمینه‌های شکل‌گیری داستان کوتاه هورامی در دو دهه گذشته (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰) (الزامات، خاستگاه و کارکردهای آن)

کوروش امینی (نویسنده مسؤول)

پژوهشگر ارشد زبان، فرهنگ و ادبیات هورامی، سنجندج، ایران.

(kourosh.amini2000@gmail.com)

فرشید رستمی

کارشناس ارشد ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (f.hawrami97@gmail.com)

مدرس سعیدی

استادیار بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، تهران، ایران. (m.seidi2009@gmail.com)



10.22034/lda.2025.142667.1028

چکیده

داستان کوتاه هورامی، اکنون همچون نوعی ادبی و مستقل، در ادبیات هورامی مشخصات خود را دارد و نمی‌توان سهم این گونه را در توسعه زبان هورامی طی سال‌های اخیر نادیده گرفت. ژانر مورد نظر، در دو دهه مذکور، نقشی تأثیرگذار در ابراز تجربه‌ها، احساسات و نمایاندن دغدغه‌های فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی در جامعه هورامان داشته است. از یک سو پرچمدار پاسداشت فرهنگ و مفاهیم ملی گردی و از دیگرسوی، سدّی استوار و نگهبانی راستین در برابر جریان‌های معارض بوده است. در این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی، سعی شده است ضمن تعریف داستان کوتاه و تحدید چارچوب‌های آن، ماهیت و عوامل جریان‌ساز داستان کوتاه هورامی، مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. به سبک و سیاق دوره برخی داستان‌های ارائه شده در همایش‌ها، اشاره شده و برخی عوامل فرعی آشکار و پنهان پیدایش این ژانر ادبی که تأثیری مثبت یا منفی در تعریف نوع خاستگاه تاریخی و شیوه رشد و تعالی آن داشته‌اند، مورد کاوش قرار گرفته است. هدف چنین خوانشی، دستیابی به عوامل مؤثر، ماهیت مفاهیم و شیوه صحیح برخورد با آن‌هاست. بررسی روند تحولات و برخی اتفاقات تاریخی جغرافیای هورامان و خارج از آن، یکی از پیکره‌های بنیادین این پژوهش است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد پدیده جنگ، مهاجرت هورامی‌ها به خارج زادبوم خویش، اینترنت، رسانه‌های گردی، شبکه‌های اجتماعی و همایش داستان کوتاه هورامی، محرک مؤثر در پیدایش این نوع ادبی تلقی می‌شوند.

استناد: امینی، کوروش؛ رستمی، فرشید و مدرس سعیدی. (۱۴۰۳).

«تحلیل گفتمانی زمینه‌های شکل‌گیری داستان کوتاه هورامی در دو دهه گذشته (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)؛ (الزامات، خاستگاه و کارکردهای آن)»، نشریه

تحلیل گفتمان ادبی، ۲ (۲)، ۲۴-۱.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۶/۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۳۰

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۶/۳۰

واژه‌های کلیدی:

داستان کوتاه
هورامی، گردستان،
هورامان، زبان،
ادبیات داستانی.

۱. مقدمه و بیان مسأله

نظریه‌پردازان کلاسیک حوزه زبان و فرهنگ پیشتر بر این باور بودند که دین و رسومات قومی، به مرور فراموش شده و از بین خواهند رفت؛ اما امروزه مسلم شده است که نمادهای فرهنگی و قومی، حتی اگر مدت زمانی خاموش شوند، قطعاً دوباره با حدت و شدتی بیشتر، در آن جامعه سربرمی‌آورند. زبان هر ملت، وسیله‌اندیشیدن، جهانبینی، عمل اجتماعی، هویت اجتماعی، روابط خرد و کلان با یکدیگر و با جهان پیرامون و با زمان‌های گذشته، حال و آینده است (همتی، ۱۳۷۸: ۱۰۹ و ۱۲۳). با توجه به بسیاری از نمودهای پیرامون و بویژه رویدادهای فرهنگی چند دهه گذشته جغرافیای هورامان، گردهای هورامی‌زبان، به خوبی دریافته‌اند؛ به علت اینکه مانند هویت اجتماعی، ارزش و مسئله زبان آن‌ها به واسطه وجود زبان دیگری یا در ارتباط با آن تعریف می‌شود، در این صورت لزوم حفظ و ترقی آن، واجب می‌نماید.

ادبیات داستانی عصر جدید در جهان، از جمله ایران و کشورهای عربی، به عنوان نماینده عقلانیت مدرن و بازتاب‌دهنده آگاهی تاریخی، همواره از سرنوشت‌سازترین عناصر اجتماعی در روزگار ما به شمار آمده و حتی در برخی تغییرات اجتماعی عملاً اثرگذار بوده است (صالح، ۱۳۹۹: ۸۵). زبان و فرهنگ هر ملتی، روح هستی و کالبد هویتی آن ملت است. ادبیات نیز با همه گستردگی فرم و محتوای خود، جهانبینی، آمال و آرزو، رنج و دغدغه، رسومات و اعتقادات خودآگاه و ناخودآگاه ملت‌ها تلقی می‌شود. جایگاه و اهمیت ادبیات به حدی است که نظریه‌پردازانی چون هاکسلی (Aldous Leonard Huxley)، بندیکت اندرسون (Benedict Anderson)، پارکر (Dorothy Parker) و چاترچی (Rimi B. Chatterjee) بر این باورند که رمان [به مثابه بخش مهمی از ادبیات] توانایی بنیان و تشکیل یک ملت را دارد (کالر، ۱۹۹۹: ۳۷ و ۲۴). رمان از آغاز، نقد اتوریته و اسطوره را در خود داشته است. حیات سیاسی و اجتماعی مدرن و زندگی نو حتی در تراژدی‌های شکسپیر نهانی و بالقوه برای فرمی ادبی که پاسخگوی توده‌ای شدن ادبیات و زندگی نو باشد، مجال بروز می‌جوید (جمادی، ۱۳۹۶: ۲۳). ادبیات هورامی، با هردو نوع مکتوب و شفاهی‌اش، شناسنامه زبان، فرهنگ و ادبیات کردستان است. سخن در باب خواندن و نوشتن به زبان هورامی، بیشتر در هورامان کردستان ایران به مثابه یک مسئله به آن نگریسته می‌شود و با وجود اینکه هورامان اقلیم کردستان، در حریم حکومت و قدرتی بومی است؛ اما خواندن و نوشتن به هورامی در آنجا، هنوز امری فردی و نوپا بوده و به نوعی کم‌توان محسوب می‌شود. شاید در نگاه اول، طرح چنین عنوانی به مثابه یک مفهوم بحث-برانگیز، حداقل نزد منتقدین و کنشگران ادبیات کردی و یا سیاسیون کلاسیک ناسیونالیست تلقی گردد؛ اما این مفهوم، نزد نگارندگان در درجه اول، یک بحث مسأله‌محور در تاریخ‌نگاری زبان و ادبیات کردی است.

جریان‌شناسی تحولات ادبی، یکی از رویکردهای پژوهشی ادبی بوده که با بررسی تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به مطالعه جریان‌های ادبی می‌پردازند. زمینه‌های شکل‌گیری داستان کوتاه هورامی، به مانند غرب نبوده است که درهم تنیدگی روزانه، زندگی ماشینی و مکانیکی و نبود وقت کافی برای خواندن رمان سبب پیدایش آن باشد. غرب با روی آوردن به داستان کوتاه، در صدد برآمد تا خوانندگان رمان، از داستان فاصله نگیرند. در هورامان اما علاوه بر این مهم، نیاز مبرم به تولید و اشاعه نثر هورامی، یکی از مهم‌ترین دلایل آغاز داستان‌نویسی هورامی به شمار می‌رود و شروع این مهم، حرکتی کاملاً آگاهانه بوده است. به لحاظ شکل و محتوا، تا کنون همچون دیگر جریان‌های داستانی دنیا بوده است. نخستین داستان‌ها، فرم و صورتی تک‌خطی و ساده داشتند. این مسئله در اوایل آنقدر ملموس بود که انگار برخی از این داستان‌ها فاقد طرحی (Plot) آنچنانی بودند. چرایی این موضوع در چنان فضا و چنان زمانی، اولویت بیشتر، حفظ زبان، نمایش واقعیت جامعه و تجربه زیسته بود تا نگاهی حرفه‌ای به ماهیت داستان. برخلاف نخستین داستان‌ها و رمان‌های گردی میانه که زنان نویسنده در ظهور این جریان نقشی نداشتند (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۴۴۱)، زنان نویسنده در هورامان، چه در حوزه ادبیات خلاقه و چه ترجمه، از ابتدا مشارکتی فعال داشتند و نقش چمشگیری در پیشبرد این نوع تازه از ادبیات ایفا کردند. کسانی چون ژوان رحیمی، نشمیل محمودی و مهین کریمی، کار خود را با ترجمه داستان‌های خارجی آغاز کردند. ژوان رحیمی و فریبا اسماعیلی بعدتر داستان کوتاه و رمان نوشتند و کسانی چون نرمین گیوه‌چی، فرخنده شیخی، نگین شریفی و شادیه رحمانزاده و... در خلق سنتی فضای داستان کوتاه نقش داشتند. در این پژوهش که بیشتر بر اساس مطالعات میدانی انجام شده است به علل ظهور داستان کوتاه هورامی از منظر جامعه‌شناختی، دلایل استقبال از این نوع ادبی و عوامل اصلی پیدایش و سمت و سو یافتن داستان کوتاه هورامی تحلیل شود.

۲. پیشینه پژوهش

بنا به تفحص و تحقیق نویسندگان، تاکنون به شیوه‌ای حتی تاریخ‌نویسی رویدادها در رابطه با این جریان، بجز کتاب‌های تاریخ نثر هورامی و افسانه‌های دیار ما، تحقیق علمی دیگری نوشته نشده است. شاکلی معتقد است خوانش او از داستان کوتاه گردی، به نسبت دیگر خوانش‌هایی که تاکنون در رابطه با جریان داستان کوتاه گردی انجام گرفته، از حیث شمولیت پوشش تمام داستان‌هایی که به زبان گردی با در نظر گرفتن تنوع لهجه‌ها و حذف مرزهای سیاسی و جغرافیایی نوشته‌اند، بسیار متفاوت است (احمدزاده، ۱۳۸۶؛ ۱۹۹). برخلاف گفته شاکلی (شاکلی؛ ۲۰۱۶)، در پژوهش ایشان حتی اشاره‌ای گذرا هم به فعالیت‌های ادبی در هورامان نشده است. رحیمیان هم در کتاب «سرآغاز و سیر ادبیات

داستانی کُردی»، حتی یک سطر دربارهٔ این ژانر ادبی در هورامان ننوشته است (رحیمیان؛ ۱۳۹۳). متأسفانه بجز اشاره‌ای کوتاه از صفریان و سجادی (صفریان و سجادی، ۱۳۸۷: ۹۶)، دربارهٔ آثار نویسندگان هورامی، در کتاب‌ها و مقالاتی که به جریان‌شناسی نثر و داستان کوتاه کُردی پرداخته‌اند، به طور کل تاکنون هیچ سخنی از داستان هورامی گفته نشده است. نخستین متنی که در رابطه با داستان کوتاه هورامی نوشته شده و آن هم صرفاً خوانشی تاریخی است، به مطلبی تحت عنوان گذشتهٔ داستان کوتاه در هورامان از ابراهیم شمس برمی‌گردد (شمس، ۱۳۹۹). این مطلب صرفاً به سیر تاریخی رویدادها اکتفا کرده است.

۳. چهارچوب نظری

۳-۱. تعریف داستان کوتاه

داستان کوتاه، در واقع ترجمهٔ عبارت «Short story» است که نخستین بار در سال ۱۸۸۵م، توسط منتقدی به نام براندر ماتیوز (Brander Matthews) وضع گردید (نوری شمسی، ۱۳۹۳: ۸۱۶۶). این اصطلاح معادل «Novelette» فرانسوی است. در رابطه با این دو اصطلاح، مفاهیم دیگری همچون «Novel» و «Novelette» نیز، با تعاریفات مختص به خود وجود دارند و بکارگیری هر کدام از این عبارات به جای دیگری اشتباه محسوب می‌شود. هرچند در ایران چنین امری تا کنون به شیوه‌ای علمی و روشمند به نتیجه نرسیده است (امینی، ۱۳۹۶: ۱۰-۹). داستان کوتاه به داستانی گفته می‌شود که از داستان بلند کوتاه‌تر باشد. داستان، شالودهٔ هر اثر روایتی و نمایشی خلاقه است. داستان، نقل رشته‌ای از حوادث است که بر حسب توالی زمانی، ترتیب یافته باشند. خصلت بارز داستان، آن است که بتواند ما را وادار کند که بخواهیم بدانیم، بعد چه اتفاقی می‌افتد (میرصادقی، ۱۳۷۳: ۵۸). داستان کوتاه و رمان علاوه بر اینکه به لحاظ فرم و ساختار با هم متفاوت‌اند، جریان پیدایش و ظهور هر کدام روند جداگانه‌ای دارد. رمان، هنری ترکیبی است و ستون‌های بنیادین آن ترکیب و در هم تنیده هستند؛ اما داستان کوتاه، یگانه و تک‌محور است. گذشته، تاریخ و سفرنامه معمولاً منبع و سرچشمهٔ رمان تلقی می‌شوند؛ اما داستان کوتاه، لایه‌لای ادبیات شفاهی و حکایات سربرمی‌آورد. به همین روی، تفاوت این دو مقوله، اصولی و جوهری است. یکی در حجم زیاد و دیگری در حجم کم تعریف شده است. داستان کوتاه برخلاف رمان، لحظه‌ای از زندگی را روایت می‌کند، نه همهٔ آن را. داستان کوتاه، لحن خشکی دارد و برشی برگرفته از زندگی است. بیشتر در پی وحدت زمان است. از ویژگی‌های مهم آن، پرهیز از شاخ و برگ و دوری از گرافه‌گویی است (اشنور، ۱۳۷۱: ۲۶). از خصوصیات بارز داستان کوتاه می‌توان به حجم تعیین شده‌اش در مقابل رمان اشاره کرد. برخی معتقدند داستان کوتاه بایستی ۱۰ الی ۱۵ صفحهٔ کتاب باشد؛ اما در اینکه قطع و اندازهٔ کتاب

چقدر باشد اختلاف آراء بسیاری وجود دارد که خود جای تحلیل و بررسی است. داستان کوتاه معمولاً یک شخصیت اصلی و چند شخصیت فرعی دارد و همچنین از یک حادثه اصلی برخوردار است (بارونیان، ۱۳۸۹: ۴). حرکت داستان کوتاه، خطی و یکنواخت است و فاقد پیچش و گره‌افکنی‌های پیچیده است و فضای کافی برای توضیح و تفسیر تمام وقایع ندارد.

۳-۲. نگاهی گذرا به تاریخ نثر هورامی

هورامان در سده‌های متوالی گذشته، جایگاهی مرکزی در حوزه زبان، فرهنگ و ادبیات کُردی داشته است. بخش عظیمی از میراث زبان ادبی کُردی از این جغرافیا سربرآورده است. هر چند امروزه چنان جایگاه و مرتبه ادبی، بنا به دلایلی از رونق افتاده است؛ اما نسل نواندیش آن در پی بازبایی و حفظ آن میراث ادبی است. همچون دیگر نقاط گستره کردستان، در گذشته، بخش اعظم نوشتار در هورامان، به زبان‌های فارسی و عربی بوده است. به همین سبب این پرسش که آیا «ادبیاتی که به زبانی بجز زبان هورامی نوشته شده است، جزو ادبیات هورامی محسوب می‌شود یا نه؟»، به اقتضای زمانه و نزد برخی از روشنفکران هورامی زبان طرح شد. در پیوند با این مسئله، برخی از نویسندگان منطقه که خود گویشور هورامی بودند اما به کُردی میانه قلم‌فرسایی می‌کردند، براین باور بودند که صرف امر نوشتن به هورامی، موجب ازهم‌گسیختگی کیان کُردی و تضعیف اتحاد میان کُردها می‌شود؛ اما برخی از کنشگران حوزه زبان، فرهنگ و ادبیات هورامی، نقد این ایدئولوژی را گسترش داده، در مقابل تنگ‌نظری این ذهنیت ناقص به ارزیابی وضعیت موجود پرداخته و فضای نقادی گزنده بر تفسیرهای ناقص نخبه‌گرایانه دور از بطن جامعه و گستره جغرافیایی باز کردند. این مهم موجب بنیان حرکتی تازه و پیدایش نثر هورامی شد؛ زیرا تا آن تاریخ، ادبیات هورامی به شیوه شعر بود و از نثر نوین، به استثنای اندک موارد، سخنی در میان نبوده است. از این جهت، سبب اصلی طرح نوشتن نثر هورامی، بیشتر نوعی باور و آگاهی نسبت به ارزش، حفظ و پاسداری زبان مادری بوده است؛ پاسخی برای مسأله هویت (Identity). بخشی از این امر به تیغ دولبه رشد ناسیونالیسم کُردی بخصوص در نیم قرن گذشته و تجربه زبانی اقلیم کردستان برمی‌گردد؛ چراکه سیاست زبانی ناکارآمد اقلیم از یک طرف و طرفداری همه جانبه برخی روشنفکرانها و سیاستمداران کُرد از طرفی دیگر، عرصه پاسداری و حفظ و رشد را بر دیگر گونه‌های زبانی کُردی علی‌الخصوص کلهوري و هورامی تنگ کرده و همین موضوع، دلیل آغاز حرکتی نو از سوی کنشگران ادبی و فرهنگی در راستای نوشتن و تولید متن به هورامی شد؛ واکنشی کنشگرا، نه کنشی خودخواسته و شتاب‌زده‌ای تشتت‌خواه. در هر صورت چنین سیاست اشتباهی سبب کشفی دوباره، اتحاد و یکرنگی فرهنگی بیشتر هورامی‌ها در پیوند با ریشه‌ی کُردی خویش از یک طرف و کوشش به تحقق حقوق فرهنگی و بخصوص زبانی خود از طرف دیگر شد.

از این نظر بود که طبقه نواندیش هورامی، نیک می‌دانست که؛ فقط با معیارهای نقد ادبی غرب و با تأکید بر مقوله ملیت نمی‌توان به بررسی ادبیات پس از استعمار پرداخت، از این نظر است که در نظریه‌های ادبی جدید، بیشتر روش‌هایی که درخور وضعیت سیاسی و فرهنگی این جوامع است جست و جو می‌شود (فرح، ۱۳۷۲: ۶۲).

تا اواخر دهه ۷۰ شمسی، هیچ برنامه و سیستمی آموزشی جهت یادگیری زبان هورامی وجود نداشت. در صدا و سیما هم حتی یک برنامه‌ی هورامی اجرا نمی‌شد و علاوه بر این، نه روزنامه و مجله‌ای هورامی وجود داشت، نه هیچ کتاب نثری و نه هیچ انجمنی ادبی با محوریت هورامان فعالیت نمی‌کرد. در این اثنا بود که با ظهور اینترنت، مردم به امکان بهره‌برداری از این فضا روی آوردند و نخستین وبلاگ‌های هورامی در هورامان، همزمان با دیگر نقاط ایران ایجاد شدند.^۱ فضای مجازی و وبلاگ‌های متنوع به زبان هورامی در نخستین سال‌های دهه ۸۰ شمسی، در پاسداری و حفظ زبان و همچنین آغاز جریان نثر هورامی، نقش بسزایی داشتند. نویسندگان هورامی زبان بیشتر در این فضا همدیگر را شناختند، با یکدیگر ارتباط برقرار کردند و از نوشته‌های همدیگر مطلع شدند. پیکره و شکل نثر امروزی هورامی، بیشتر در دهه ۸۰ و به یاری اینترنت شکل گرفت. شمس، این دهه را نقطه عطف جریان نثر هورامی می‌داند (شمس، ۱۳۹۷؛ ۱۲۲). وبلاگ‌نویسی و استفاده از اینترنت همچون بستری مجازی در آن سال‌ها، بحثی قابل تأمل است و نیاز به خوانشی مستقل دارد. به هرجهت، اینترنت و در سال‌های بعد گروه‌ها و کانال‌های تلگرامی به عنوان تنها راه ابراز هویت زبانی، باعث رشد نثر هورامی و دوام این جریان شدند.

۳-۳. نقش برنامه هورامی رسانه‌های گُردی

رسانه گُردی در کل، تاکنون بسیار کم، نقشی رسانه ملی داشته است و هنوز هم رسانه آزاد و مستقل ندارد. ملی از آن جهت که تربیونی بر اساس مصالح و منافع ملت بوده و بر ایدئولوژی حزبی و منافع شخصی ارجحیت داشته و ضامن و پاسخگوی خواسته‌ها و مطالبات تمام گُردها در همه مناطق باشد. بطور مثال، بخشی از توجه و ساخت برنامه‌ها، معرفی و تبلیغات مثلاً گردشگری با نقاب ترویج اصالت گُردی و فرهنگ بومی هورامان که از سوی تولیدکنندگان تلویزیونی اقلیم کردستان هم کارگردانی شده است، در اصل باعث و بانی لرزش فرهنگی و کم‌توجهی به زبان مورد نظر شده است. به همین دلیل است اکنون هم جریان سیاسی آن، مملو از حفره‌های خالی در خیلی از مفاهیم و رویدادها است. با این وجود، به دلیل ظرفیت بالای پذیرش فرهنگ گُردی، اگر اراده‌ای معطوف به عمل باشد می‌تواند جوابگوی خیلی از مطالبات روز تمامی گروه‌های زبانی و فرهنگی گُردی باشد و هر گونه

درخواستی در این زمینه، در راستای گفتمان ملی تلقی شود. هرچند تاکنون کمتر در باب پیوند نقش برنامه‌های هورامی رسانه‌گردی در ارتباط با پاسداری و حفظ زبان هورامی سخن به میان آمده؛ اما نباید از نقش پررنگ این برنامه‌ها در برخی کانال‌های تلویزیونی که تأثیر فراوانی بر جریان پاسداری زبان و فرهنگ هورامی داشته‌اند، چشم‌پوشی کرد. رسانه در کل، یکی از مؤثرترین ابزارهایی بود که هورام‌ها، نقش و بیان خود را از طریق آن به دیگر بخش‌های جامعه‌گردی و به خود، نمایانند. این ابزار در فرایند بازنمایی (Representation) هویت فرهنگی هورامان، رسالت مهمی به عهده داشته است. البته نباید از ذکر این نکته غافل ماند که برخی از شبکه‌های گردی در این برهه زمانی، به سهم خود، بر جریان پاسداشت و حفظ زبان هورامی از یک سو و هویت فرهنگی مردم هورامان از سوی دیگر تأثیرگذار بودند؛ اما حجم این برنامه‌ها به نسبت کلیت رسانه‌گردی، بسیار کم بوده است.

۳-۴. تحولات تاریخی و زمینه‌های شکل‌گیری داستان کوتاه هورامی

تأسیس انتشارات صلاح‌الدین ایوبی در فضای گردی آن روزهای ایران و پس از آن انتشار مجله سرور، باعث شد در سال‌های ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۹، ۵۰۱ داستان گردی چاپ شود (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۵). در تاریخ هورامان، برخی رویدادها موجب تغییر و تحولاتی بنیادین و همچنین بازنگری دوباره و مدرن در مفهوم هویت شده‌اند (محمدپور، ۱۳۹۲). یکی از مسائل بنیادینی که به شیوه‌ای مستقل اما تأثیرگذار در جریان این تغییر و تحولات فرهنگی و ادبی، موجب رجوع دوباره مردم هورامان در پیوند با سرمایه‌های فرهنگی خود شد، جریان نشر هورامی بود. در دهه هفتاد شمسی، که سال‌های حساس تاریخی بودند، پیدایش نشر هورامی از یک سو، فرصتی پدید آورد تا همبستگی و کین مردم هورامان در مقابل قدرت زبان‌های فرادست همجوار مقاومت کند. قدرتی که اجازه نمی‌داد دیگر گونه‌های زبانی، فرصت‌های نوشتاری در راستای حفظ، پاسداری و خلاقیت ادبی را داشته باشند و از سوی دیگر، سبب شد تا با حفظ زبان و سرمایه‌های معرفتی آن، ادبیات هورامی که تا چند دهه پیش تنها عبارت از شعر و گونه شفاهی بود، در کنار دیگر زبان‌های برادر و همسایه، جریان نشر را آغاز کرده و بخش ادبیات آن موازی با زمانه، رشد کند. این جریان هرچند نامتوزان و ناهم‌سنگ، اما با استقامت و تداومی مثال‌زدنی، همواره رو به تعریف، تثبیت و شکوفایی بوده است.

از جمله عواملی که در پیدایش داستان کوتاه هورامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند می‌توان به جنگ ایران و عراق، مهاجرت هورامی‌ها به شهرهای بزرگتر و دورشدن از جغرافیای هورامان، مواجهه و برقراری ارتباط با دیگر زبان‌ها بخصوص دیگر گونه‌های گردی، برخی اتفاقات سیاسی و حزبی در هورامان، پدیدآمدن چالش‌ها و مسائل متعدد در زندگی روزمره مانند کولبری، سفر به

دیگر کلان‌شهرهای ایران برای کار و تجارت، توسعه تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی علی‌الخصوص تلگرام و... اشاره کرد. مهاجرت، صرف‌نظر از ذکر محاسن و معایب آن، فرد را دچار چالش تا اندازه‌ای هویتی پس از ورود به فضا و مکان جدید زندگی می‌کرد. یعنی مهاجر هورامی علاوه بر مشکلات متعدد اقتصادی، ارتباطی و غم غربت، همواره در خیال چالشی درون فرهنگی به نام بحران هویتِ دورگه بوده است. درگیری ذهنی خیل عظیمی از بویژه کنشگران فرهنگی در ارتباط با فرهنگ و بویژه زبانِ برادر و دوستِ سرزمین جدید و ناگزیری فرد در دوگانگی قبول یا کلنجار تقابل با آن، فراموش کردن خاطرات گذشته و سعی در همگونی با فرهنگ جدید، منجر به زایش فرهنگی دورگه و در نهایت، پذیرش کامل یا تقابل طرد آن می‌انجامد. همین امر، سرخوردگی و ناراحتی مداومی را سبب می‌گردد. چنین مهمی به‌عنوان مثال در شهر میوان، حتی به قبرستان‌ها هم کشیده شده و متوفیان هورامی، با عبارت، جمله و شعری به زبان هورامی، نشانی از تقابلی نرم را نشان داده و با نمایش ریشه و تبار خویش، سعی در ابراز هویت و باز کردن فضایی هویتی در خاک می‌نماید. نکته شایان توجه آن است که همین مباحث، محتوای اصلی بسیاری از داستان‌های هورامی را شکل داده‌اند. نگارندگان این پژوهش معتقدند که جریان داستان کوتاه هورامی و آغاز این حرکت ادبی، بایستی همسو با اوضاع سیاسی، اجتماعی و بخصوص فرهنگی در آن دوره زمانی، خوانش و بررسی شود. تاریخ داستان، مبحثی جدا از تاریخ جامعه نیست و این دو مقوله، پیوند عمیقی با یکدیگر دارند؛ چرا که در این خطه نیز، مثل سیاست در گُنه زندگی مردم، تأثیرات زیادی داشته است. رمان‌نویسان برجسته اقلیم غرب، علاوه بر تأثیرات فراوان ناشی از شرایط اقلیمی، به شدت تحت تأثیر فضای سیاسی بودند و حداکثر توان خود را برای بیان مضامین مسلکی به کار می‌بردند (نظری، ۱۳۹۹: ۲۶۵).

اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شمسی و سیر تحولات اجتماعی-فرهنگی آن و بویژه در هورامان لَهون و تخت، خاستگاه چالش‌های نوگرایی ادبیات و بویژه زبان هورامی، نزد نواندیشانی بود که رویه‌های نئوکلاسیک را قبول نداشته و در پی خوانشی نو از زبان و هویت زبانی بودند. مهاجرت خیل عظیمی از روستاهای مرزی هورامان لَهون به سبب بروز جنگ ایران و عراق، پیامدهایی چند را در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به دنبال داشت. تجربه مهاجرت، بریدگی از زادگاه، مواجهه با فرهنگ و بویژه زبانی نو، مفاهیمی نوین را در ذهن خیلی از هورامی‌ها ایجاد کرد یا بنیان‌های آن را تغییر داد. اواخر همین دهه، سال‌هایی بودند که نخستین متون نشر هورامی به شیوه امروزی نوشته شد، انجمن‌های ادبی و فرهنگی دایر شدند و همینطور، چندین مجله به این زبان منتشر شدند و تکنولوژی اینترنت هم به مدد این جریان رسید. همین رویدادها و جریان‌ها باعث رشد و نمو حرکت ادبی و اندیشه تازه و تأملی دوباره در مسئله زبان

در هورامان و خودآگاهی هویتی شدند. در آن دوره، برخی کنشگران ادبی نواندیش در هورامان براین باور بودند که ادبیات کلاسیک هورامی، در برابر پرسش‌ها، عواطف، مشکلات و چالش‌های انسان امروز، ناتوان است. همین امر در وهله نخست، علت اصلاح شعر و تغییر قُرم و محتوای آن شد و سپس، دیگر انواع ادبی از جمله ادبیات داستانی، به ادبیات و زبان هورامی ورود پیدا کردند. نخستین تلاش‌های داستان‌نویسی هورامی در آن دوره، گسترش این ژانر ادبی در هورامان و همچنین، گسترش و رشد نثر هورامی از طریق داستان بود. از اهداف بنیادی و چشم‌اندازهای نخستین همایش داستان کوتاه هورامی که در شهر نودشه برگزار شد، گسترش نثر هورامی به واسطه داستان بود. بدین شکل، کنشگران حوزه ادبیات و فرهنگ هورامان معتقد بودند که نوشتن رمان و داستان کوتاه، به مثابه دو گنجینه ادبی، در حفظ، رشد و مدرن‌شدن زبان هورامی می‌توانند تأثیر بسزایی داشته باشند. به بیانی دیگر، می‌توان گفت ظهور گفتمان حفظ، پاسداشت و حرکت رو به تعالی زبان هورامی، از اصلی‌ترین عوامل مهم در پیدایش داستان کوتاه هورامی تلقی می‌شوند. این جریان، بخشی از تاریخ اجتماعی هورامان بوده که بایستی در آینده مورد تاریخ‌نگاری قرار گیرد.

برخلاف بسیاری از جریان‌های ادبی دنیا، نقطه پیدایش و آغاز حرکت داستان کوتاه و رمان در ادبیات هورامی، چندان از هم دور نیست. ورود نخستین رمان، با ترجمه شاهزاده کوچولو در سال ۱۳۸۸ آغاز و اولین داستانی که به هورامی نوشته شد، به آغاز دهه هشتاد برمی‌گردد. چاپ و انتشار شاهزاده کوچولو رکود فضای ادبی را می‌شکند. کورش امینی درحالی ترجمه این رمان را منتشر کرد که پیشتر کسی به زبان هورامی هیچ کتاب نثری چاپ نکرده بود و از این حیث، طلایه‌دار این جریان محسوب می‌شود (صفریان و سجادی، ۱۳۸۷: ۹۶). ترجمه کتاب شاهزاده کوچولو، آغازگر راهی بود که بعداً جریان نوشتن نثر به زبان هورامی نام گرفت و این حرکت، در تمام نقاط هورامان گسترش پیدا کرد. به سبب اینکه تا آن زمان هیچ کتابی تخصصی در راستای ترقی و پاسداشت زبان هورامی وجود نداشت. این ترجمه، با دربرداشتن هویتی هورامی در زبان و نثر آن، با هدف ارتقا و انتشار نثر هورامی، نقش تأثیرگذاری در این جریان داشت (شمس، ۱۳۹۷: ۲۳۹-۲۳۸). تا آن تاریخ، بجز ادبیات شفاهی و شعر، کتاب نثر دیگری به زبان هورامی وجود نداشت. ترجمه رمان‌های خارجی و ایرانی، نقش بسیاری در آشنایی با ادبیات جهان و رشد داستان کوتاه هورامی داشت. همچون زبان فارسی در ایران، داستان کوتاه و رمان، نخستین نثرهای مدرن هورامی تلقی می‌شوند. داستان ایرانی با تأثیرپذیری از ادبیات داستانی اروپا آغاز شد و جریان داستان کوتاه دیگر گونه‌های کُردی در نقاط دیگر کُردستان نیز به همین منوال بود. هرچند پیش از برگزاری نخستین همایش داستان کوتاه هورامی، برخی نویسندگان

هورامی در تلاش برای نگارش داستان کوتاه بودند و از دیگر زبان‌ها هم ترجمه آغاز شده بود؛ اما در چارچوبی که در آن، آثار زیست‌بوم و تجربه‌های زبانی با مهر هورامی بازنمایی شوند، آمار قابل توجهی مشاهده نمی‌شد. یعنی جایگاه و نحوه نمایش و ظهور ادبیات هورامی در میان ادبیات کردی، آشکارا ناپیدا بود و نقش و مشارکت آن در کلیت متن کردی، در محاق بود.

از دیگر عوامل پیدایش جریان داستان کوتاه هورامی، می‌توان به حقوق اقلیت‌های زبانی اشاره کرد که داستان را دستمایه کرده و پلی می‌پندارند تا از طریق آن صدای خود را به دیگران برسانند. به باور اوکانر (Frank O'Connor)، داستان کوتاه وسیله‌ای است که به مدد آن، گروه‌های جمعیتی ناپیدا، صدای خود را به گوش اکثریت جامعه می‌رسانند (هانسن، ۱۳۷۳: ۸۴). این موضوع، مصداق بارز فریاد رها شده از تنگنای گلوئی کسانی بود که در لایه‌های زیرین جامعه بی‌صدا اما مراقب اوضاع فرهنگی هورامان بودند. ظهور تکنولوژی‌های جدید و پدیده‌های چون شبکه‌های اجتماعی در بطن جامعه و نبود هیچ تربیون و رسانه‌ای برای زبان و فرهنگ هورامی را می‌توان از دیگر عوامل رشد این جریان به شمار آورد. عوامل مذکور نشان می‌دهند که آغاز این جریان، برخلاف نظر برخی منتقدان، برخاسته از وضعیت فرهنگی-اجتماعی به خصوصی در زمان حساسی بوده که همگی هدفمند و معلول واکنشی آگاهانه محسوب می‌شود. اضافه بر این، داستان‌نویس هورامی، برای تفتن و سرگرمی ننوشته و نماد و نشانه نیافریده است؛ بلکه حرفه‌ای به این زبان نوشتاری روی آورده است و همین امر، از یک طرف رویدادی تاریخی نام می‌گیرد و از طرفی دیگر، بازنمایی مشخصات فرهنگی و اتفاقات اجتماعی در این بوم را بر عهده داشته است. در چنین فضایی، داستان کوتاه هورامی نویدبخش افقی نو و پاسخی درخور و به موقع به ضرورت گذار از سنتی شفاهی به عرصه‌ای نوشتاری بود. بنیانگذاران این حرکت، افرادی با ترکیبی روشن‌فکر و ادیب بودند که فضای سنتی کنونی را مغایر با روح فرهنگی زبانی هورامان و چنان در بستگی زبانی آن می‌دانستند.

۴. سبک‌شناسی داستان کوتاه هورامی

مسئله زبان و هویت، علاوه بر اینکه محتوا و پیام بسیاری از مقالات و متون نثر هورامی در دو دهه اخیر است، بلکه در چندین داستان کوتاه سیر این جریان، به این مباحث تازه پرداخته شده بود. داستان راز سنگ، اثر محمدشریف علیرمایی، کوچ، اثر طالب اداک و ندوه زبان، اثر آریا یوسفی از جمله این داستان‌ها بودند^۲. همچون تجربه بسیاری از داستان‌های جهان، نخستین داستان‌های هورامی هم، به زبانی ساده و مشابه زبان مردم کوچه و بازار نوشته شده‌اند. نویسندگان در این داستان‌ها از امثال و حکم و ابیات فولکلور و اصطلاحات عامیانه

بسیار تأسی جسته‌اند؛ اما تجربه برگزاری چندین دوره همایش داستان کوتاه هورامی، قالب و مضمون داستان را در این جغرافیا محکم‌تر و به شیوه‌ای امروزی، داستانی‌تر کرد.

همایش‌های داستان کوتاه از یک طرف و اشاعه پاسداشت زبان هورامی از طرف دیگر، خلق آثار نویسندگان جوانتر را در پی داشت. سبک مدرن و امروزی، طرح‌های محکم استخواندار و واجد بستری استاندارد، دیالوگ‌های معین و غیراضافه و راوی‌هایی آشنا و مسلط به متن، باعث رشد بیشتر داستان در سال‌های بعدتر شدند. رفته‌رفته داستان هورامی از سادگی و کم‌تجربگی دور شده و به نوعی، هم یکپارچه‌تر شد، هم تکنیکی. نویسندگان اولیه کسانی چون رفعت مرادی، فرشید شریفی، کورش امینی، جمال جباری، جهانگیر محمودپوری، رئوف محمودپور و نایب منبری بودند. در مرحله بعدی کسانی چون صمد عادل، فرخنده شیخی، ژوان رحیمی، صابر عزیزی، حسین وفایی، ارشاد ازغ، فیروز فرجی، نگین شریفی، محمدرضا بهمنی، هورامان رستمی به این جریان پیوستند. با وجود این افراد در کنار داستان‌نویس‌های سال‌های گذشته، حرکت داستان هورامی، استحکام بیشتری در خود دید و متون زیادی به لحاظ کمی و کیفی پدید آمدند. این امر موجب تغییر متون و گستردگی محتوای آثار شد. در ادامه، نه تنها مسائل و مشکلات جامعه هورامان، بلکه به سبب آشنایی بیشتر نویسندگان با تجربیات و آزمون دیگر نقاط، مباحث دیگری که مختص به فرهنگ و زندگی جغرافیای هورامان نبودند، به داستان وارد شده بود. محمدرضا بهمنی، کورش امینی، رئوف محمودپور، ژوان رحیمی، صابر عزیزی و ارشاد ازغ و نایب منبری از پرکارترین نویسندگان این جریان می‌باشند. در نهایت، می‌توان جریان داستان کوتاه هورامی تا کنون را به سه دوره مشخص زمانی تقسیم کرد:

۴-۱. دوره نخست (نیمه دوم دهه ۸۰)

برخلاف شمس که معتقد است «به دلیل نبود آرشیوی جامع، به طور قطع نمی‌توان گفت چه کس یا کسانی نخستین داستان کوتاه هورامی را نوشته‌اند (شمس، ۱۳۹۹: ۱۲)»، باید متذکر شد که نخستین داستان کوتاه هورامی، *بورسیا* است که به قلم رفعت مرادی نوشته شده است. این داستان در مجله «سروه»، در سال ۱۳۸۳ منتشر شده است (مرادی، ۱۳۸۳: ۴۱ الی ۴۳). پس از این اثر، تا نیمه دوم دهه هشتاد، بنا به تحقیق و پیگیری نویسندگان این پژوهش، هیچ داستان هورامی چاپ و منتشر نشده است. در این دهه، کتاب نثر و داستان کوتاهی وجود ندارد؛ به عبارتی دیگر، نثر هورامی هنوز در اوایل نمود خود قرار دارد و تلاش‌ها عموماً فردی و شخصی هستند. بخش اعظم نوشته‌های نیمه اول دهه هشتاد، به مثابه واکنشی آگاهانه در برابر غلبه تمام و کمال گویش سورانی بود. در این دهه، ترجمه دو رمان *شاهزاده کوچولو* و *قلعه حیوانات* به قلم کورش امینی، به زبان هورامی منتشر شدند.

ترجمه اثر درخشان آنتوان دوست‌آگزوپری، ساختار منفعلانه و فضای ساکت آن دوره را می‌شکند و به نوعی آغازگر راهی بی‌بازگشت می‌شود. شمس در تاریخ نشر هورامی بر این باور است در این دهه، در هورامان این داستان‌ها نوشته شده‌اند: *آرزوی آرزو* (مؤمن یزدانبخش)، *عنکبوت* (جمال جباری: ۱۳۸۵)، *قلعه دختر* (رئوف محمودپور: ۱۳۸۵)، *عقرب* (حسین کریمی: ۱۳۸۶)، *جوانمرگ* (کوروش امینی: ۱۳۸۷)، *داستان علی* (عبدالله حبیبی: ۱۳۸۹) و *پنچ مسافر*، نوشته فریبا وفی، با ترجمه کورش امینی (شمس، ۱۳۹۹: ۱۹۸-۱۷۰).

پیام و مضمون داستان‌های اولیه، بیشتر اقلیمی و حس و حالی بومی و روستایی دارند. تجربه ابراهیم یونسی در *رمان کج‌کلاه و کولی*، شکل ظاهری روستا، نوع چیدمان خانه‌ها در کنار یکدیگر و شیوه مرسوم معماری یا در *رمان د/د شیرین*، شیوه معیشت و زندگی مردم است که آن را مثل تابلویی زنده توصیف می‌کند. نیز برخی شاخصه‌های فرهنگی و سویه‌هایی از رسومات مردم هورامان در این داستان‌ها نقل شده است. در تمام فرهنگ‌ها و دایره‌المعارف‌های ادبی در تعریف داستان اقلیمی عموماً بر وجود عناصر مشترکی همچون فرهنگ و معتقدات مردمی، آداب و رسوم و ویژگی‌های محیط طبیعی و بومی تأکید شده است (گری، ۱۳۸۲: ۲۷۲ و میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۴۷). در حقیقت، تأثیرات اقلیمی در حوزه داستان کوتاه و رمان - به دلیل وسعت و تنوعشان - نمود بیشتری دارد (نظری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۶۴).

در این دوره آن‌طور که باید و شاید، هنوز قالب و اسکلت داستان به تمامی شکل نگرفته است و سخنی از آغاز و عنوانی مشخص از این جریان به میان نیامده است. با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که اغلب این داستان‌ها، فاقد قُرم داستانی و طرح‌های ساختمانند و فنی داستان می‌باشند. داستان‌های این دوره، ضعیف بوده و از قدرت هنری و ادبی چندانی برخوردار نیستند. شخصیت‌های داستان بیشتر قهرمانانی کلاسیک‌اند تا کاراکترهایی مدرن و امروزی. به همین روی، کمتر درگیری و احساسات درونی شخصیت‌های داستان دیده می‌شود. همچنین، عشق به وطن و زادبومی که نویسنده به عنوان گویشور هورامی در آن تجربه زیسته دارد، در این آثار بارز است؛ به طوری که پُر واضح است نویسنده، هنوز نتوانسته خود را از تجربه زندگی اطراف خویش برهاند. بنابراین، داستان‌ها نقش بازنمایی فضایی سنتی و فولکلور را بر عهده دارند و شخصیت‌ها به دنبال امیال و آرزوهای فردی خود هستند. از این نظر، داستان این دوره به نوعی، کمتر در دسترس دیگر نویسندگان هورامی قرار گرفته و نزد کنشگران این حوزه، هنوز پذیرفته نشده‌اند. همان‌طور که ولبلیام فاکتر تجربه زیسته مردم جنوب آمریکا را نشان داده و در بیشتر آثار جومپا لاهیری بوی زردچوبه بنگلادش به مشام مخاطب می‌رسد، داستان‌های هورامی این

دوره نیز، به تجربه و لایه‌های پیدا و پنهان زندگی مردم هورامان می‌پردازند. به هر روی، می‌توان از این دوره به عنوان دوره سرآغاز بنیادین و پیدایش داستان کوتاه در هورامان نام برد.

ردیف	عنوان داستان	نویسنده	عنوان مجله	سال	شماره	صفحات
۱	بؤرسیا	رفعت مرادی	سروه	۱۳۸۳	۲۱۳	۴۱-۴۳
۲	شمه ورمی فری مومیندی یا گیانتا ^۲	جمال جباری	هورامان ^۴	۲۰۰۸	۲۰ و ۲۰	۶۷-۶۸
۳	تهرسی	// //	// //	//	۲۳ و ۲۲	۱۸
۴	زدمین	جهانگیر محمودنویسی	//	۲۰۱۰	۲۸ و ۲۹	۱۹
۵	گیانوو گزیده‌ری	// //	//	//	۳۰ و ۳۱	۱۱۱-۱۱۰
۸	نی رنی ملو سورو پو لری	رفعت مرادی	هورامان ^۵	۲۰۱۱	۲۱	۳۷۵-۳۸۰
۹	هاوار زیندم مه کوردیوه	// //	//	//	۲۲	۲۰۲-۲۰۸
۱۰	لموزه پیسه کی	ابراهیم حاجی زلمی	//	//	//	۲۰۹-۲۱۳
۱۱	نا هاناوه که من و تو لیل کمد	بهاالدین محمد	//	//	//	۲۱۴-۲۱۷
۱۲	مه‌درده‌ی جه پیناو لوقمینه	نعمان طاهر	//	//	//	۲۱۸-۲۲۰

جدول شماره ۱: اولین تلاش‌های داستان‌نویسی در مجلات

در مجله وانیار، سال دوم، شماره ۳، بهار ۱۳۹۴، تعدادی داستان کوتاه هورامی چاپ و منتشر کرد. در شماره‌های ۱، ۲ و ۳ ماهنامه الکترونیکی شارو نیز، تعدادی خوانش داستان و رمان فارسی و تعدادی داستان کوتاه هورامی چاپ و منتشر شدند. نیز در نشریه شماره ۲۹ و ۳۰ ژنیوار و شماره ۲ زنجیره کتاب فرهنگی ادبی آوزیار نیز، تعدادی چند داستان کوتاه هورامی منتشر شدند.

۴-۲. دوره دوم (نیمه اول دهه ۹۰)

در مدت این پنج سال، حرکت نشر هورامی، بخصوص داستان و رمان، تا حدود بسیاری موانع پیش روی خود را برداشت و علاوه براین، با سرعت قابل تأملی پیش رفت. به لحاظ کمی، در این دوره کوتاه، داستان‌های بیشتری در مجلات و هفته‌نامه‌ها و وبلاگ‌های هورامی منتشر شدند (دیوانه/م‌نپند/رید، اثر امید حبیبی در وبلاگ دنگ). از نکات قابل توجه دیگری که موجب تحکیم این جریان شدند، می‌توان به آغاز همایش‌های مکرر داستان کوتاه هورامی اشاره کرد که در نیمه اول این دهه، سه دوره آن برگزار شدند. نقد ادبی در پیشبرد آثار ادبی به سوی متنی فاخر، کمک فراوانی می‌کند و فراهم‌شدن فضایی از این دست در این دوره، در کنار تجربه‌ها و صداهای نو و تازه کار داستان‌نویسی، از دیگر مشخصات بارز این دوره به شمار می‌روند. در سال ۹۰ ترجمه سه رمان به هورامی و سال ۹۱ یک مجموعه داستان و یک ترجمه رمان منتشر شدند. در سال ۹۳ دو رمان کوتاه از فرشید شریفی به زیور طبع آراسته شدند. یک سال پس از

آن دو رمان هورامی، سه ترجمه رمان و یک مجموعه داستان به بازار کتاب آمد و در سال ۱۳۹۵، ترجمه دو رمان و یک رمان به زبان هورامی چاپ و منتشر شدند.

ردیف	سال	رمان / مجموعه داستان چاپ شده	نویسنده
۱	۱۳۹۱	تارمایی بؤگنی	فرشید شریفی
۳	۱۳۹۲	داستانهای ناتمام	فرشید شریفی
۴	//	هناسیوه تا یاوای	فرشید شریفی
۵	//	قه‌لا و کناچی	رئوف محمودپور
۶	۱۳۹۴	مهرگ نا پاره و ژبواچ فرهش مهنه	فرشید شریفی
۷	//	هرویه کهیت لا ده	فریبا اسماعیلی
۸	//	نه زرگا	رئوف محمودپور
۹	۱۳۹۵	نیمه‌شهو بی	حافظ احمدی

جدول شماره ۲: دور دوم فعالیت نگارش رمان و داستان کوتاه هورامی

اتفاق مهم، برگزاری همایش داستان کوتاه هورامی، در این دوره بود. این همایش، تأثیرات چشمگیری در جریان اشاعه نثر و روند رو به رشد ادبیات داستانی داشت؛ به طوری که صدای این نوع تازه ادبی را به گوش مردم و مخاطبان ادبیات در هورامان رساند و مشخصات درون‌متنی و برون‌متنی داستان در آثار منتشر شده، بیشتر شد. در نظر کسانی که آشنایی کافی با این حوزه دارند و بدون پیش‌زمینه، این جریان را تحلیل و خوانش می‌کنند، همایش آغازین نودشه با روند داستان کوتاه هورامی به نوعی به هم گره خورده است. مشخصات داستان‌های این دوره عبارتند از:

تجربه، تکنیک و سبک داستان‌نویسی مدرن در آثار ناپخته است و تنها سویه‌ها و نشانه‌های آن را می‌توان دید.

داستان‌نویسان این دوره عموماً به تجربه زیسته مردم هورامان در این جغرافیا، رنج‌های زندگی و شادمانی‌های آن همچون عشق، حسرت زندگی گذشته و ساده مردم این دیار و مشکلات معیشتی نظیر کولبری و تنگدستی پرداخته‌اند. منطقه جغرافیایی در نظر یک نویسنده رئالیست، جایگاه ویژه‌ای دارد و سازنده فضای داستان است و نمی‌تواند مانند بسیاری از داستان‌ها، عامل تزئینی باشد (نظری و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۶۴).

زبان آثار، بیشتر زبانی عامیانه و برگرفته از ادبیات شفاهی و کوچه‌بازاری است تا زبانی فنی و ادبی. بیشتر نویسندگان به لهجه محل، شهر و روستایی که در آن زندگی می‌کنند، می‌نویسند و داستان‌ها دارای زبانی یکدست نیستند. مراد از لهجه و ساختار بومی زبان، آن

است که گاهی علاوه بر تکواژه‌های محلی، یک عبارت و ترکیب زبانی در داستان به کار می‌رود که خاص همان زبان است و این موضوع در بسیاری از موارد به طور ناخودآگاه، در گفتگوها بروز می‌یابد (صادقی‌شهپر، ۱۳۹۷: ۴۰۲).

لحن و مضمون بیشتر داستان‌ها شعارگونه است و جنبه ادبی و هنری داستان‌ها، فدای پیام نویسنده شده است. به طوری که در برخی موارد، تمایز بین نویسندگان ادیب و روشنفکر سیاست‌زده، مشخص نبود. تجربه چنین موردی در ادبیات بقیه ملل هم وجود داشته است؛ صالح و دیگران، در پژوهشی معتقدند که دهه چهل که دهه بسط داستان‌نویسی در ایران بود، به دشواری میان نویسندگان ادبی و روشنفکر سیاسی تمایزی وجود داشت (صالح و دیگران، ۱۳۹۹: ۹۶). ابراز حقیقت و واقعیت در معرض مخاطره قرار داشت؛ زبان هورامی و دغدغه نویسنده در قبال این وضعیت، بخش غیرقابل انکار داستان‌های این دوره است.

راوی بیشتر داستان‌ها، سوم شخص و دانای کل است و داستان‌ها، روایتی خطی، ساده و فاقد تعقید دارند.

۴-۳. دوره سوم (نیمه دوم دهه ۹۰ تا ۱۴۰۰ شمسی)

در این دوره، واژه و اصطلاح داستان کوتاه و حتی رمان هورامی به مثابه نوعی تازه در ادبیات منشور هورامان، بیش از پیش شناخته شد؛ تا جایی که اضافه بر مخاطبان هورامی، بخشی از مناطق کردستان نیز از آغاز و پیدایش این جریان مطلع شده و وجود آن را پذیرا شدند. در سال ۹۶ دو مجموعه داستان و سه رمان منتشر شدند.

ردیف	سال	رمان / مجموعه داستان چاپ شده	نویسنده
۱	۱۳۹۶	پانه و خه‌ما	هومایون محمدنژاد
۲	//	قوول پیشه و غیریبی کالی	آمنه رحیمی / ژوان
۳	//	نه‌ودیمو مانگی	حافظ احمدی
۴	//	ناخرین فیشه‌ک	کوروش امینی
۵	//	سیاورنه‌حانه	محمدرضا بهمنی
۶	۱۳۹۷	خه‌لاتو پاییزی	آمنه رحیمی / ژوان
۷	//	چله‌خانه ویری	محمود قادری
۸	۱۳۹۸	زه‌ساونده وهرمی	سابیر عزیزی
۹	//	رووم‌هت	رتوف محمودپور
۱۰	//	گه‌ناوه	مهران احمدی
۱۱	//	شه‌وچهره	گونا راهیما

۱۲	۱۳۹۹	فدته	ولی فتاحی
۱۳	//	چناره	محمدرضا بهمنی
۱۴	۱۴۰۰	دائرة تهرم	مختار اسلامی
۱۵	//	نوخشه و قه‌لا و ژيوگای	سابير عزيزی

جدول شماره ۳: دور سوم فعالیت نگارش رمان و داستان کوتاه هورامی

لازم به ذکر است این لیست، تنها شامل داستان کوتاه و رمان‌هایی می‌شود که نویسندگان هورامی در قالب کتاب منتشر کرده‌اند؛ چرا که در کنار این آثار، چندین رمان و داستان کوتاه از زبان‌های دیگر در قالب کتاب ترجمه شده یا در مجلات منتشر شده‌اند. همچنین داستان کوتاه‌های فراوانی در همایش داستان کوتاه هورامی حضور داشته‌اند که به علت چهارچوب پژوهش نام آن‌ها در لیست مذکور نیامده است. مشخصات داستان‌های این دوره عبارتند از:

پرداختن به تجربه‌های درونی و فضاهای امروزی و تأکید نویسندگان بر ارزش اندوخته‌های انسان مدرن، ذهنیت و درون شخصیت‌ها، جدال و دیالوگ ذهن و درون نویسنده با شخصیت‌های داستان، دوری جستن از واقعیت برخلاف دوره‌های سابق و روی آوردن به دنیای درون و ذهنیت‌های متفاوت بشر از مختصات بارز داستان‌های این دوره می‌باشند. چنین محتوایی در داستان کسانی چون ارشاد ازغ، نرمین گیوه‌چی، فرخنده شیخی و فیروز فرجی و... قابل مشاهده است. هرچند در همین بازه زمانی، بقایا و آثار کهنی در ابعاد فرهنگی و اجتماعی در داستان‌ها حضور داشتند.

شکل‌گرفتن مستحکم چهارچوب داستان و وجود طرح‌هایی زنده و نقشه‌هایی آشکار. زاویه دید سوم شخص دوره‌های پیش، رفته‌رفته به شخص اول تغییر پیدا کرد و شیوه روایت نیز داستانی‌تر شد.

دوری جستن از رئالیسم و ناتورالیسم و روی آوردن به آشفتگی‌های درون و غربت دنیای مدرن. در این دوره هم، دغدغه زبان باز دیده می‌شود با این تفاوت که در این دوره، بیشتر درد جانکاهی از غربتی ناخواسته بود که بیشتر در دیازپورای زبان آشکار می‌شد. در این دوره، دیگر نویسنده با فراز و فرود داستان آشنا شده و این مسئله را تا حدودی در بافت اثر خویش پیاده کرده است. گره‌افکنی و گره‌گشایی وجود دارد و تعلل‌ها معنی‌دار شده‌اند. نویسنده به مسیر داستان آشنا شده و می‌داند روند داستان به کدام سو می‌رود.

۴-۴. همایش داستان کوتاه هورامی و تأثیرات آن

هسته اولیه و ایده برگزاری همایش داستان کوتاه هورامی، برای اولین بار در نودشه و طی نشست با حضور کورش امینی، عبدالله حبیبی، امید حبیبی و ابراهیم شمس شکل گرفت. این ایده در

قدم اول، جهت حفظ و گسترش نثر هورامی و با این پرسش عملیاتی شد؛ از چه روش و با چه طریقی می‌توان نثر هورامی را در میان نویسندگان هورامی گسترش داد و عامه مردم را همسو با آن ترغیب کرد؟ برگزاری همایشی با عنوان داستان کوتاه هورامی، پیشنهاد و نودشه جهت برگزاری انتخاب شد. اولین همایش در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۲۳ برگزار شد. از طرف داوران دبیرخانه همایش ۱۵ داستان جهت قرائت انتخاب شدند که لیست ۵ داستان اول به قرار زیر است؛

ردیف	عنوان داستان	نام نویسنده
۱	نازادی	سبحان امینی
۲	داهول	مریم سلامت
۳	رویتو چه دهوانوو موعه‌لنیم	محمدغریب معازی‌نژاد
۴	ودی چا رویه	پژوف محمودپور
۵	هه‌ناسیوی کال	فریبا اسماعیلی

جدول شماره ۵؛ پنج داستان منتخب اولین همایش داستان کوتاه (نودشه)

همایش مذکور در نوع خود، اولین همایش در منطقه بود که به سبکی علمی و تمام همایش به زبان هورامی برگزار شد؛ سرآغاز راهی نو، اندیشه نوین و جریانی تازه در وادی ادبیات هورامی. بعد از برگزاری همایش مذکور، نقدهای زیادی نوشته شدند. موافق و مخالف، مثبت و منفی. اما اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها به هورامی نوشتند. دلوز معتقد است هر اثری به این دلیل بزرگ و باشکوه می‌شود که از نرم و مسیر اکثریت فاصله می‌گیرد و خط و مسیری ممتاز و متفاوت به وجود می‌آورد (به نقل از قربانعلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۶۴). در اقلیت بودگی و حاشیه‌های ادبیات خرد است که قلمروگذاری‌های اکثریت زدوده شده و زیبایی‌های کوچک، هویدا می‌شود. برگزاری همایش مذکور در میان محافل فرهنگی، روشنفکری و حتی سیاسی منطقه، آنقدر مهم و تأثیرگذار بود که حتی چند کانال تلویزیونی گردی در طی چند برنامه، برگزاری آن را موشکافانه مورد نقد و تحلیل قرار دادند. هدف گردانندگان برگزاری همایش که گسترش و جلب توجه مردم به وضعیت نثر هورامی بود، برآورده و به نوعی سبب انقلابی فرهنگی در حوزه نثر هورامان و بویژه هورامی‌های دیازپورا شد و به یک مفهوم رایج و هنجاری فرهنگی در جامعه شناخته و مورد قبول واقع شد.

دومین همایش به کوشش دانشجویان هورامی کلاس آموزش زبان هورامی دانشگاه پیام نور مریوان در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ در دانشگاه پیام نور شهر مریوان برگزار شد. از طرف

داوران دبیرخانه همایش تعداد ۱۲ داستان جهت قرائت انتخاب شدند که لیست ۵ داستان اول به قرار زیر می‌باشد؛

ردیف	عنوان داستان	نام نویسنده
۱	نهدیمو و جامه‌ک‌ی	نرمین گیوه‌چی
۲	خیال پلاوی	ولی فتاحی
۳	هیوا و نینشا	سبحان امینی
۴	ده‌فته‌روو که‌رگه سیاوی	فرید عباسی
۵	چه‌مه‌را	محمد رجبی

جدول شماره ۶؛ پنج داستان منتخب دومین همایش داستان کوتاه (مربوان)

سومین همایش در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۳۰ و در پاهو برگزار شد. از طرف داوران دبیرخانه همایش تعداد ۱۵ داستان جهت قرائت انتخاب شدند که لیست ۵ داستان اول به قرار زیر است؛

ردیف	عنوان داستان	نام نویسنده
۱	جوری‌ی	صمد عادل
۲	گجی پیاپانه	فهمی مرادی
۳	چیگه که‌س و‌ردل مه‌وزو	حسین وفاپی
۳.۱	شیشه‌وره‌ش	فرخنده شیخی
۴	گروو ته‌نیایی	آمنه رحیمی
۵	ژیوای شق و شر	شادیه رحمانزاده

جدول شماره ۷؛ پنج داستان منتخب سومین همایش داستان کوتاه (پاهو)

چهارمین همایش در تاریخ ۱۳۹۶/۰۶/۲۷ و در پاهو برگزار شد. در این دوره نیز ۱۲ داستان جهت قرائت انتخاب شدند که لیست ۴ داستان اول به قرار زیر می‌باشند؛

ردیف	عنوان داستان	نام نویسنده
۱	ماماله گنجی	ارشاد ازغ
۲	ناوی رۆشنای نمارۆ	فیروز فرجی
۳	کوشته‌ی نه‌مین‌به‌گی	هورامان رستمی
۴	ژیوا، مهرگش به‌زنا	سبحان امینی

جدول شماره ۸؛ چهار داستان منتخب چهارمین همایش داستان کوتاه (پاهو)

پنجمین دوره همایش نیز در شهر پاوه و در تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۰۲ برگزار شد. در این همایش، ۱۱ داستان انتخاب شدند که ۵ داستان اول به شرح زیر می‌باشند؛

ردیف	عنوان داستان	نام نویسنده
۱	ناد چه کنی به‌رشی‌نی؟!۱	ارشاد ازغ
۲	نالو ژبوای و سوکنایی مه‌ردهی	مهوش درستکار
۳	شونه‌ما	فیروز فرجی
۴	ئه‌ودیموو دیمه‌نوو ژبوای	سایبر عزیزی
۵	تیئخوو سونه‌تی	رنگین کریمی

جدول شماره ۹: پنج داستان منتخب پنجمین همایش داستان کوتاه (پاوه)

۴-۵. تأثیر همایش داستان کوتاه هورامی در شکل‌گیری جریان داستان‌نویسی هورامی
قبل از برگزاری اولین دوره همایش داستان کوتاه هورامی، در هورامان داستان نوشته شده بود و برخی از آن‌ها هم در همایش‌ها، مجلات و فضای اینترنت منتشر شده بودند؛ اما این همایش داستان کوتاه هورامی بود که مرزها را درنوردید و عنوان این نوع ادبی تازه را در هورامان و خارج از هورامان، سر زبان‌ها انداخت و نقل محافل ادبی کرد. از آن تاریخ به بعد بود که عنوان داستان کوتاه هورامی، وارد واژگان ادبیات بخشی از گُردستان شد و مهر تأییدی بر ثبت جریان خویش زد. بعد از آن بود که فضای ادبیات کلاسیک هورامان، تسلیم این تجربه تازه شد و هنجارهای قدیمی، جای خود را به نوع تازه‌ای از افق‌های ادبی داد. به باور خیلی از منتقدان ادبی حوزه هورامان، اولین گام‌های رشد جریان داستان‌نویسی هورامان و روند رو به رشد آن، همایش داستان کوتاه نودشه بوده است. این همایش تا کنون پنج دوره آن برگزار شده است^۶ و روز به روز تجربه و آزمونی نو، کسب می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های این پژوهش می‌توان گفت که داستان کوتاه هورامی، هنوز در اول و آغاز جریان خود قرار دارد. این نوع ادبی در هورامان، به زمان نیاز دارد تا ساختارمندتر شود و به شکوفایی و رشد بیشتر دست یابد. همچنین بایستی این تجربه‌های آغازین را ادامه دهد و لازم است فضای نقد و خوانش علمی و دقیق آثار بیش از پیش گردد تا به پشتوانه‌ای چنین، دوره‌های پساپیدایش خود را طی کند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که داستان کوتاه هورامی موازی با جریان نثر هورامی آغاز شده است. نقش برنامه‌های تلویزیونی هورامی در رسانه‌های گُردی، جنگ ایران و عراق و مهاجرت هورامی‌ها به شهرهای بزرگتر، برگزاری شش دوره همایش داستان کوتاه هورامی، بریدگی از زادگاه و دور شدن از جغرافیای هورامان و در نتیجه مواجهه و برقراری ارتباط با دیگر زبان‌ها بخصوص دیگر گونه‌های گُردی، گسترش تکنولوژی و شبکه‌های اجتماعی علی‌الخصوص تلگرام و ظهور گفتمان حفظ، پاسداشت و حرکت رو به تعالی زبان هورامی، از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش این جریان در هورامان به شمار می‌روند. بر اساس مطالعه‌ای که نویسندگان این پژوهش به صورت موردی از دو دهه نخستین این جریان انجام داده‌اند، نتایج نشان دهنده آن است به لحاظ کمی و کیفی، در دوره‌های دوم و سوم، داستان فنی‌تر و امروزی‌تر شده است و این آثار، مژده شکوفایی این جریان را در آینده بیش از پیش می‌دهند. در تمامی داستان‌های این دوره‌ها، واژگانی چون کوه، آزادی، وطن، زندگی، مبارزه، زن، تنهایی، اصالت و مفاهیمی مثل ساختارهای تاریخی ظلم و نابرابری، خفقان سیاسی و مسائل مربوط به نظام دهقانی و شیوه زندگی ارباب و رعیت، تمرکز بر صحنه‌های تراژیک و تلخ زندگی و سخت و زمخت جلوه دادن آن‌ها، و توصیف طبیعت بومی، برخی اتفاقات سیاسی و حزبی در هورامان، پدیدآمدن چالش‌ها و مسائل متعدد در زندگی روزمره مانند کولبری، سفر به کلان‌شهرهای ایران برای کار و تجارت و... سخن می‌گویند که تداعی روح عصیانگر و در دام نسلی طغیانگر هستند که خواستار تغییری برآمده از عقلانیتی مدرن در حوزه حقوق فردی، فرهنگ و زبان هستند. یعنی داستان‌های این دوره‌ها، بهترین وسیله برای بیان و ارزیابی وضعیت واقعی جامعه هورامان بوده‌اند. به طور کلی، حتی تطوّر نثر هورامی در حوزه تحوّل معنایی و زبانی نیز، نتیجه تغییرات چشمگیر حوزه داستان است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ایران برای اولین بار در سال ۱۳۷۲ به اینترنت متصل شد و اولین وبلاگ‌های ایرانی در دهه ۸۰ دایر شدند.
۲. آرشیو دبیرخانه به ترتیب اولین و دومین دوره همایش داستان کوتاه هورامی.
۳. در مجله مورد نظر با عنوان «راز/ افسانه» آمده است.
۴. مجله هورامان‌شناسی فصلی به سرپرستی نعمان فایق توفیق/ هاوار.
۵. مجله کانون فرهنگی هورامان.
۶. بعد از نوشتن این مقاله و در سال ۱۴۰۳، ششمین دوره این همایش در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۷ و در نودشبه برگزار شد.



منابع فارسی

- احمدزاده، هاشم. (۱۳۸۶). *از رمان تا ملت*، ترجمه بختیار سجادی، سنندج، انتشارات دانشگاه کردستان.
- اشنور، ولف دیتریش. (۱۳۷۱). «داستان کوتاه»، ترجمه سعید فیروزآبادی، *ادبیات داستانی*، ۱(۳)، ۲۶-۲۷.
- بارونیان، حسن. (۱۳۸۹). «ضرورت تداوم داستان کوتاه در ادبیات معاصر فارسی»، *کتاب ماه ادبیات*، ۴(۴۶)، ۴-۱۳.
- بالایی، کریستف. (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*، ترجمه مهوش قویمی و نسرين دخت خطاط، تهران: انتشارات انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران و معین.
- جمادی، سیاوش. (۱۳۹۶). *نکار حضور دیگری*، تهران: انتشارات ققنوس.
- رحیمیان، محمد. (۱۳۹۳). *سرآغاز و سیر ادبیات داستانی کردی*، تهران: انتشارات رامان سخن.
- شاگلی، فرهاد. (۲۰۱۶). *داستان کوتاه مدرن کردی*، دانشگاه اویسالا، بخش علوم انسانی و اجتماعی، دانشکده زبان، گروه زبان شناسی و فلسفه.
- شمس، ابراهیم. (۱۳۹۷). *تاریخ نثر هورامی*، پاه: انتشارات نارو.
- صادقی‌شهر، رضا. (۱۳۸۹). «خستین رمان اقلیمی در داستان‌نویسی معاصر ایران»، *کتاب ماه ادبیات*، ۴۰(۱۵۴)، ۳۵-۴۰.
- صفریان، کامل و سجادی، سیده زهرا. (۱۳۸۷). «تبارشناسی رمان و داستان کوتاه کردی»، *فصلنامه فرهنگی/ادبی/اجتماعی زیربار*، دوره جدید، ۱۲(۶۹-۷۰)، ۸۵-۹۹.
- فرح، نورالدین. (۱۳۷۲). «استعمار در جهان سوم»، ترجمه کیهان عباسیان، *مجله کیان*، ۱۴، ۶۷-۶۲.
- قربانعلی، مریم و همکاران. (۱۴۰۲). «کاربست رویکرد ادبیات اقلیت ژیل دلوژ بر رمان «الثلج یاتی من النافذه» حنا مینه و رمان «جای خالی سلوچ» محمود دولت‌آبادی»، *فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، ۱۵(۵۴)، ۱۸۱-۱۶۲.
- گری، مارتین. (۱۳۸۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*، ترجمه منصوره شریف‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرصادقی، جمال و میرصادقی (ذوالقدر)، میمنت. (۱۳۷۷). *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران: کتاب مهنار.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۳). «انواع داستان»، *مجله کیان*، ۲۲، ۶۲-۵۸.
- نظری، زینب؛ محمودی، محمدعلی؛ مشهدی، محمدمیر. (۱۳۹۹). «بازتاب عناصر اقلیمی در داستان‌های ابراهیم یونسی»، *نشریه زبان و ادب فارسی دانشگاه تبریز*، ۷۳(۲۴۱)، ۲۸۶-۲۶۳.
- نوری‌شمسی، هادی. (۱۳۹۳). «الگوی نوین در تحلیل و بررسی داستان‌های رئالیستی، با تحلیل «پیرمرد و دریا»ی ارنست همینگوی»، *مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران*، دانشگاه خراسان شمالی، به کوشش فرامرز آدینه، جلد نهم، ۸۱۶۶.
- هانسن، آرنل ج. (۱۳۷۳). «داستان کوتاه: سرچشمه‌ها و تحولات»، ترجمه رحیم ساحلی، *نشریه مشرق*، ۳-۲.

همتی، ماندانا. (۱۳۷۸). «زبان و هویت فرهنگی؛ به نقل از بهروز گرانپایه»، مجموعه فرهنگ و جامعه‌شناسی، ۱، ۱۰۹-۱۲۳.

منابع گردی

نهمینی، کوورش. (۱۳۹۶). ناخرین فیشهک، مریوان: زایه‌له.
 شه‌مش، نیبراهیم. (۱۳۹۹). «وی‌ردو داستان‌نویسی جه ه‌ورامانه»، زنجیره کتبی فرهنگ و ن‌دهبی «ناو‌زیار»، شماره ۲، (تاییهت به ن‌دهبیاتی داستانی)، مریوان: زایه‌له.
 مورادی، پ‌ف‌عت. (۱۳۸۳). ب‌ر‌سیا، مان‌گ‌نام‌ی ن‌دهبی، فرهنگ‌گی، ک‌م‌ل‌ای‌تی س‌روه، س‌الی ه‌ژده‌م، ژمار‌ی ۲۱۳، خاک‌لی‌وه، ناو‌ندی بلاو‌کرد‌ن‌و‌دی فرهنگ و ن‌دهبی ک‌رد‌ی.

منابع لاتین

Culler, Jonathan, (1999) Anderson and the novel, in *Diacritics*, 29.4, pp, 20-39

